

(۱) نشر و بر ماه فرانسه ۱۷۷۷ مسیحی
 قیمت بکظرفا بکعباسی
 قیمت اعلان سطرده شاهی
 اذاعتبه چهارقط



(۲۴) در شنبه بیست و چهارم شهر ربیع الاول ۱۲۹۴ هجری
 هر کس اخبار و اطلاعات بدار و اطباءه هابونه
 بفرستد در این روزنامه باسم خود او نوشته
 خواهد شد

روزنامه علی

بقیه اخبار میرزا نصر طیب مخصوص مد سربلک در الفنون
 استخوان که بنیاد بدن بر اوست و ماده او را سوزاء و مزاج از اوست
 و خشک دانسته اند مرکب است از دو ماده اصلیه یکی ارضیه و دیگری
 عنصر و قشر ارضیه آن باز مرکب است از چندین اجزاء که یکی از آنها هک
 است و دیگری جوهر کبریت فرنگی هر دو اینها التئ صرفند عنصر
 هم که معلوم است علاوه بر اینها هشت نر ماده دیگر هم در عظم موجود
 اند که هر یک را مزاج و طبیعت خاصه است پس بطور کلی نتوان اطلاق
 سر و خشکی بر او نمودم چنین خون که مایه حیاهت و منبع زندگانی است
 مرکب است از چهارده جسم مفرد که آنها عبارتند از انگشتر
 و بشد رثن و کوبون و آرت و مینر یوم و نایدوم و کلر و بون
 و غیرها هر یک از این اجسام را نیز خاصیت مخصوصه است که در خلقت
 ندارد پس این هفتت جماعه را در وی هم رفته میتوان گفت حیات است
 و رطب که بجز از تولید صفر اعلی دیگر در بدن ندارد خون در
 عروق و در پر منکون و مثلون میشود و در یکد بقیه نموده اند

مدیریت و الفنون

تحقیق میرزا کاظم معلم حکمت طبیعی در باب صعود بالون در هوا
 جمیع اجرام علوی و اجسام سفلی مادی جاذب و مجذب یکدیگر اند
 و در این جاذبه عمومی عالم و نسبت ثابته معلوم اند و اگر جاذبه اجسام
 نسبت مستقیم دارد با عظم آنها یعنی هر قدر جسمی بالنسبه بزرگتر
 از جسم دیگری باشد از اجانب خود بکشدند ثابته اند که این جاذبه
 نسبت معکوس دارد با مجذب و بعد و فاصله مابین اجسام یعنی هر قدر
 بعد بیشتر باشد جاذبه نسبت مجذب و دان کمتر میشود زمین که یکی
 از اجرام ستاره است جاذب جمیع اجسامی است که در روی آن واقعند
 یعنی هر جسمی را از بالای زمین رها کنند و آن جسم بتکیه کاهی محکم
 و استوار نباشد بعلت جاذبه زمین سبل بر مرکز مینماید و فرود میآید
 چنانکه در سقوط اجاردها شده و او را ف و آثار اشجار خزان دید
 این معنی واضح و بینه است تمام اجسام نسبت بزین همین حالت را دارند
 که سبل بر مرکز زمین مینماید ولی آنان که از مسائل حکمت طبیعی غافلند
 ممکنست متعرض شوند که چه خواهم گفت در باب صعود و سقوط
 اجسام خفیفه که در هوا بالا میروند یعنی از مرکز زمین دور میجویند

جواب این اعتراض بسیار سهل است در صورتیکه مطابق براهین
 علمیه و تجربیه تعیین کند بر اینکه هوا چو که بر کوه ارض احاطه دارد جسمی
 است سبیل و صاحب وزن لهذا اثری که از آب و سایر مایعات
 نسبت بسا اجسام ظاهر میشود در این هوا نیز بروز میکند یعنی
 مثل اینکه اجسام اثقل بفرار آب فرو میروند و اجسام اخف بجای
 سطح آن صعود مینمایند اهو پیر و انجره که بالنسبه از هوا سبک ترند
 طبقات فوقانی آن عروج میکنند و آنان که بالنسبه از هوا
 سنگین ترند بسبب طبقات تحتانی آن نزول مینمایند
 توضیح آنکه محققین حکما ثابت کرده اند که اجسام هوایی شکل که بخار
 نیز نامند یا وجود کثرت سبیلان و نفوذ و لطافت و خفت بازمیمانند
 اجسام جامد و ما بعد مطیع قوه ثقل اند یعنی صاحب وزن اند
 و ادله اثبات این دعوی بعد ری متعدد و محسوس و اشکار است
 که هر طفلی ادراک مواند کرد مثلا اگر حباب بلوری را که نفیسیا یک
 پیروی آب بیکر و در پیچه و شری داشته باشد که آمیخته خلوه هوا
 شد و وصل نتواند شد بردارند و همان قسمیکه از هوا منلی است
 با ترازوی حساسی وزن کنند و ضبط وزن آن نموده حباب را
 با اسباب خلومریوط کنند و هوای آنرا بکشند و شرا آنرا بسنجند
 وزن آنرا بسنجند مشاهده شود که نفیسیا نوزده خود از وزن آن
 کاسته است پس ثابت شد که این نوزده نخورد و وزن هوا بکست که
 محسوسه آن شپش بود لهذا هوا در این است و بواسطه این وزن
 بر سطح اجسامیکه در تحت آن واقع اند فشار وارد میآورد و چون
 تحقیق کرده اند که طول ستون هوای محیط بر کوه ارض اقل است
 هفتاد زرع است این فشار جنلی عظیم است چنانکه بدن انسان
 متوسط القامه در سطح زمین تقریبا پنجاه و یک خوار و نیم از هوا
 محیط فشار می بیند ولی چون این ضغطه از جهات شرق و مغرب
 است علاوه بر این در اندرون حیوانات نیز علی الاطلاق اتصال تولید
 بخارا می میشود که مقاومت با ضغطه جو میکنند بر ما محسوس نمیکرد
 باری معلوم است که هوا وزن است و اجسام را فشار میدهد
 و هر قدر در مواضع مرتفعه بالا روند این وزن و فشار کمتر
 خواهد بود زیرا که طبقات تحتانی هوا علاوه بر وزن و فشار خود

محل وزن و فشار طبقات فوقانی را می نمایند و این معنی یا میزان هوا
 مشهور و بیست و یکم میگردد همین قسم که وزن هوا ثابت شد وزن سایر
 اهوره و اجزای نیز ثابت میشود و معلوم میتوان کرد که بعضی بالنسبه خف
 و برخی ثقل از هوا میباشند چنانکه میگردند چنانکه در برابر وزن
 هوای جو سبک تر و سبک بد بد یک نفر سبکتر و دفعه سنگین تر
 از آن است لهذا میگوئیم هر جسم بخار بر که از هوا اخف است میتواند
 در آن صعود نماید و این معنی واضح و ثابت بود ولی مدتها حکما الثقانی
 بان ندانستند چنانکه بلاک معلم حکم طبیعی ادبورد که در سنه هزار
 صد هشتاد و یک در مجلس درس خود اظهار نمود که اگر مثانه را از بخار
 پتد رتن پر کنند شکر نیست که بالطبع در هوا صعود خواهد کرد
 ولی عمل را جری نداشت و باز پیر شمر در سنه هزار و صد و نود و هفت
 کا و او در مجلس علماء لندن عرض داشت که با تجربت معلوم کرده است
 که جنابهای کف صابونی که با پتد رتن پر کرده باشند در هوا بالایی
 روند ولی دو برادر فرانسوی من کلفه نام که صاحب کارخانه کاغذ
 سازی بودند بدو را مستحضا از احوال حکمای سابقا ل ذکر در خیال
 این معنی افشا دند که چون هوای گرم اخف الطفا از هوای متعارف
 باید که از هوای گرم منلی باشد در جو صعود نماید و در سنه هزار
 صد و نود و هشت بالونی از دوی بر قاعدت ترتیب دادند و انرا بوا
 هوای گرمی که از اجزای کاغذ و خرده چوب و گاه مرطوب پر کرده
 بودند به هوا صعود دادند و در همین سال شارل معلم طبیعی مدرسه نیاز
 پتد رتن را قایم مقام هوای گرم کرد بعد از او بسیار از مردم بدین معنی
 در هوا صعود نمودند و الا ان و اجزاء حفظ از سقوط فراهم آوردند
 و در نامه های علمی و کتب طبیعی مشروحا ضبط این مطالب را کرده اند
 صعود کا پلوساک که از حکمای معبر متاخرین بود در سنه هزار و نود و
 نوزده کا سف سائل مجرب غامضه علیه کرد بدین دانشمند بز کوار
 هفت هزار و شانزده ذرع از سطح دریا بالا رفت بقسمی که میزان هوا
 سی و دو سانتی متر و میزان الحرارة نه درجه و نیم زیر صفر نشان میدادند
 فرغات بنظر این معلم که در حالت متعارفی شصت و شش بود بعد و
 بیست فرغ رسید بدین سنوا انچه در لندن و در نفا از دانشمندان
 انگلیس کلسول و کزنیر نام داده هزار و چهار صد و شصت ذرع بالا
 رفتند بنوعی که یک از آنها بی حتر و حرکت ماند و زبان دیگری بند
 آمد پس معلوم میشود که سبب صعود بالون در هوا اخف و وزن آنست
 نسبت به هوای جو خواه لطافت هوای گرم مجوس در آن و خواه
 بسبب تلائی آن از جسم بخار بر که بالطبع در هوا سبک تر است بالعرض
 بواسطه حرارت لطیف و خفیف نشد اگر اعراض کند که حرارت بتنهاقی

از آن سفل بعلو میکشاند میگوئیم چنین نیست حرارت جو در هوا
 اندرون را سبکتر میکند بالون را صعود میدهد چنانکه در دار
 الخلافه خاص و عام دیدند ولی حرارت جز تخفیف اثری ندارد
 اعانت حرارت بخارات خفیفه همین کار را میکند چنانکه بخار
 چراغ موسوم بکانو پتد رتن که ما خود از آب است بدو وزن حرارت
 برابر با لونی را پیش از هوای گرم بالا میبرد
 این اجسام یکی از دانشمندان انگلیس بطبعه علمیه فرستاد
 و خواهش نموده که عین عبارت نوشته شود
 یک قسم چاه است که شعله بچاه آو تپش است
 مظنه غالب نیست که چنین چاهی در زمان دولت چین بوده
 این چشم چاه در نمنستان مخصوصا در وینر چندین مائت قبل از
 این سپار بود و حال فراوان است و بسیار از این چاهها موجود
 است در لندن و مزراع آن و یک چاه مخصوص نامی موسوم
 در کنار پار پس است

و کمر کر فل

که در دامنه پار پس واقع است چاهی حفر شده که عمقش ناپند و
 نوزده ذرع است و از دهته این چاه آب بالا میجهد نوزده و نیم
 در دول متحد امریکا که عبارتست

ان اتا ژپونی

در بنکی دینای شمالی است این نوع چاه هست که هم عمق زیاد
 دارد و هم آب زیاد میدهد و در بعضی دیگر خارج زیاد کرده اند
 و آب بسط زمین نیامده و نیز در

لواس و پل

که شهر معبر است عمق یکی قسم چاه ششصد و سر ذرع است
 آب بالا میجهد چهل و نه ذرع و سر و بیع ذرع و در یک روز
 بیست و چهار ساعت سبصد و سی هزار گالون که بیانه آب
 انطرف است و نیز بگا هر کجای یکم و نیم بوزن بشیر آب میگرد
 و شنیده شد که این چاه کنده شده بیست کارخانه کاغذ سازی
 ولیکن آب این چاه کو کرد و چند شی و دیگر دارد که بسیار منعق است
 این آب هیچ وجه مصرف دستگاه کاغذ سازی نخورد ولی حال
 در بطریقه اینچنین و دهته بطور محکم بسبب مجده معالج بعضی امراض
 فر و خشر و براه دور میفرستند و نیز در

البحر با

که واقع است در بین شمال و مغرب فریقا و در تحت سلطنت فرانسه
 است و در بیست و یک سال قبل از این بجهت حفر این نوع چاه امتحان کرده

در یافت آب نمودند و غریبان از راه دور بیکر چاه جمع شدند
 بودند و یکی از این چاهها در زمین فاع و بی منفعت حفر شده
 که کوردی از پنجاه و چهار متر میباشد و هر متری از یک ذرع
 قدری که است بعد از حفز این معدن از چاه آب بیرون آمد
 دو هر دقیقه هزار و هفتاد و پنج گلون که تخمینا یک هزار و ششصد
 دوازده من بوزن تبریز است و این چاه معروفست بعین
 المینونیت و خوشیالی در سکنه آن محل بی حد بوده و عرض
 دهه این نوع چاهها تقریباً دو و پانصد متر میباشد و با استیلا
 مخصوص کند میشود و اکثر این اخبار از روی کتب معتبره

انگلیس تالیف شده و بزبان فارسی ترجمه شد
 (بقیه اخبار معاصر تحقیق شنیدار صاحب کتاب)
 مریخ خوب از معدن بزرگ حاصل میشود و از معدن ذلک کانی نزدیک
 فریب هم مریخ بسیار خوب میاورند ولی مردم در هر دو کانی
 پیدا میشود از جمله در او قصبه و کورستان و کاشان

فرزده معتبر از معدن بنشاپور میاورند و این معدن در هشت
 فرسخی بنشاپور واقع است و از ایام قدیم مشهور و معروف میباشد
 و جزو زنده در این چند سال اخیره و جای دیگر در خراسان
 پیدا شده ولی بخوبی جزو زنده معدن بنشاپور نیست زیرا که
 معدن جزو زنده بنشاپور از معادن بسیار معتبره ایران است
 و تفصیل آن را بنامی بیان خواهیم کرد و آن اینست در حول سر
 معدن دو دهکده کوچک است که با اسم معدن مشهور اند و جمیع
 این دو دهکده تخمیناً دو پست خانه دارد است از فرامد کور این
 جمیع را چند صد سال قبل از بدخشان با این محل آورده اند
 با این معنی که چون اهل بدخشان در کار جواهر تراشی مهارت
 داشته پادشاه ایران در آن زمان دو پست خانه را از آنها
 برای تراشیدن جزو زنده با ایران آورده در اراضی معدن جزو زنده
 جا داده و ساکن نموده در این معدن چهار ده چاه معتبر است که
 هر یکی اسم مخصوص دارد بعضی از آن پراب شده و بعضی با پراب
 بوخی از آنه ال دولت و بریحی دیگر مال مردم است و استیلا
 تفصیل آن از این قرار است غار پست در کوه که جزو زنده
 خوب دارد و دارای بیخ و خم زیاد است ولی عمق این چاه از سر
 چاه الی نقطه پایتین نوسه و شش ذرع پیش نیست آنچه معلوم
 نمودم در زمان قدیم هم از حال کار میکردند انوقت راه عبور
 بزرگ و وسیع میساختند و سنگهای بمصرت از معدن استخراج
 نموده دور میچیدند اما حالا راه عبور مردم را منتک میسازند سنگها

بیمصرف داخل معدن انداخته میشود که عبور بسیار مشکل است
 اکثر راه را طوری میسازند که از دو ثلث ذرع پیش ارتفاع
 ندارد و سنگهای بمصرف که روی هم چیده اند گاه اتفاق
 می افتد که راه را مسدود میکند که هم راه وصول هوا و هم طریق
 عبور مردم قطع میشود و اهی که این قسم ساختن شد بسیار
 است و اگر یک دفعه اتفاق افتد که راه مسدود شود معدن
 چنان که میروند بزودی آن راه را باز نمیتوانند نمود و معدن چنان
 که داخلند با آن که سنگها با آن کی هوا میبرند بقیه در نمره اشبه

جغرافی
 وضع و حدود آن جزایر بریتانیا موضوع اند
 بشمال و مغرب فرانس و منفعت ساختن مالک بر تانی
 و ابر لا ندرا که نامیده شده اند دولت انگلیس و این مملکت
 محدود است بشمال بواسطه دریای محیط انلانیتک بمشرق
 بدریای شمال و بجنوب بیاد کاله و دریای مانش و بمغرب
 بدریای محیط انلانیتک

و سعنت خاک جمیع انگلیس
 و سعنت خاک انگلیس مساحت با سصد هزار کیلومتر مربع
 و جمیع آن مساحت بی طیان و جمیع ثمای منصرف این
 دولت در چکی دنیا و افریقا و اسپانیا و غیره زباده از دولت
 ملتان است

کوهها معتبره مملکت انگلیس
 کوههای شیو پوت واقع تا بین انگلیس و آکس کوههای
 مملکت کال کوههای کرامپسبان در آکس
مرو و خانه های انگلیس
 رودخانه هومبر و رودخانه نمر که بدریای شمال میریزد
 رودخانه سورن که بدریای محیط انلانیتک میریزد
 رودخانه میرس که بدریای ابر لا ند میریزد در آکس رودخانه
 کلید که بدریای انلانیتک میریزد و در ابر لا ند رودخانه
 سانن که بدریای سانن میریزد رودخانه لیف که بدریای
 ابر لا ند میریزد بقیه در نمره اشبه

اعلان
 کتاب مرآت البلدان ناصر می در علم جغرافی و تاریخ نقل از
 کتب عده معتبره قدیم و جدید علمای جغرافی و تاریخ عرب
 و عجم و ترکستان و فرنگستان و یونان و از سیاحت نامه های
 مسافرن فرنگی و ایرانی علاوه بر هفت هفتاد کاتب و بیانات

واجبه مؤلف و اطلاعات ثقات معاصرین و نکات ادبیه اقبال
 و اشعار عربی و فارسی و نواید مختلفه مصور و موشح بمثال
 بمثال همایون شاهنشاهی دام ملکه و صور معبره از
 قیل صورت تخت جشد و ایوان کسری و نقشه مدائن و صور
 باقی مانده برج بابل و صور بیستون منعلق بدار پو شها و صور
 اسکندر با صحت شباهت و صورت شاه سلطان حسین
 و کریم خان زند و کجل و مرحوم آقا محمد شاه فاجار خافان مغفور
 البسمه الله حلال النور و ولی عهد رضوان جا بگاه نواب نایب
 السلطنه عباس میرزا و شهریار میرور ماضی محمد شاه غازی
 طاب الله ثراه و نقشه قلعه تبر و غیره در طبع بن سبک و اسلوبی
 با کمال دقت و صحت بطبع رسیده و چون در سنه ماضیه کتاب
 سالنامه از طبع خارج نشد در هذه السنه مهیونه معادل کتاب
 دو ساله بل بجا و زد در یک مجلد از این کتاب مستطاب فریب
 بشصت جزو و پنجاه هزار بیت نوشته شد ضمیر سالنامه کرده
 مخارج کوفتی در اتمام آن نموده لهذا قیمت کتاب دو ساله را که دو
 هزار باشد نرخ آن فرار داده و سواى طبقات نوکرو صاحبان
 روز نامه دولتی که از قرار حکم کلیه سنوات سابقه باید کتاب سال
 نامه را ما حوز و ننخواه انرا با اداره دارالطباعة بر پر دازند هر کس
 نیز طالب و مایل این کتاب مستطاب کثیر الفایده باشد در دار
 الطباعة مبارکه نزد میرزا علی محمد ناظم دارالطباعة از فرار قیمت
 مر فومر میخوانند خریداری نمود و هیچیکس حق طبع و ترجمه این کتاب
 مستطاب را ندارد و کتاب مرآت البلدان عبارت از چند جلد است
 که بنر بنیب هر سالی مجلدی از آن بطبع میرسد

شما
 در این روز

اخبار مرض خانه

امور مرض خانه دولتی کاملاً منتظم است نواب مستطاب
 اعضا و السلطنه و وزیر علوم و معادن در انتظام امر مرض خانه
 مجاهدات و افتدات لا بقدر دارند کف شده از مرضای معموله
 که از دولت ابدایت علیه مخارج آنها داده میشود جناب
 مستطاب اشرف سپه سالار اعظم و وزیر جنگ و وزیر
 امور خارجه فرار داده اند که نفر مرضی را همیشه متکفل
 باشند و از مخارج ایشان که نفر مرضی را بکامعالج شده
 تمام مایلزم آن نفر را میبل شوند

لایحه

روزنامه مبارکه که ایران در عمره سیصد و چهارده جریده اخر را که تازه از

باخر یعنی مطبعه دار الخلافه اسلامبول طلوع کرده محض تشویق فصاحت
 و توصیف نموده است این جریده علیه نیز که خود را مجسمه مولود ایران میداند
 اخر را بدین سخن طعنت میفرستد که (علی البیبرها سقطت و عندین
 مجدتها حططت) (اعطت الفوس بارها و اسکتت الدار بانها)
 و در اثبات سعادت اخر و شایستگی آن همین دو نکته در تقه را بس
 میداند یکی آنکه مورد تمجید و توصیف روزنامه ایران آمده است
 که صرافت و دانای هر فن است دیگر اینکه چون پیوسته طالب مطالب
 صدق و بی عیب و وقایع مبرری از شایسته شک و ریب است فو تون
 خود را از روی سال نامه دولت علیه مورخه سنه ۱۲۹۲ بنا بر صحیح
 ایران مشحون ساخته و نقطه از آنچه در آن کتاب مبارک مر فوم شده
 تجاوز نکرده است

بقت تحقیق بر نظر طبیب کبرای مرض کلو

در وقتیکه غشاء کاذب سرایت بحلقوم نماید سرفه متواتر طاری شود و این
 حالت نفس با صلا میگردد و احتقان و جعی در محل حلقوم میشود صوت
 بزودی فانی میگردد و حمله های اختناق متوالی شده جمیع علامات
 خفای ظاهر میگردد و علامات عمومی که بروز نماید دلیل بر خطر مرض
 میگردد از سبها علامات خستگی و رنج نمودار میشود و نبض متواتر
 و صغیر میشود و عوالاتی میگردد و گاه پیوست و گاه اسهالی متعفن بر
 نماید قی کرانی عارض شود و غشاء کاذب گاهی در بعضی از مواضع
 بدن نیز بروز نماید پره و بیخ گوش و اطراف بینی و اطراف نوک پستان
 و اطراف لبها و در مقعد و فرج و در روی جلدی که مجروح شده باشد

(مرقشای و احرف انتهایی مرض)

رفقار مرض سپار سریع است که مدت دو اوزه ساعت الی دو رتیم
 یا چهارم هبل اکت رساند ولی عموماً وقتیکه واقه نباشد از یک
 هفتالی دو هفته و گاه دیده شده تا بیست و پنج روز طول کشیده
 است و مرگ عارض میشود بواسطه سرایت غشاء کاذب و حلقوم
 و بندرت بواسطه عرض ذات الریه و یا بواسطه سوء الفسفه که
 نتیجه مرض شود و اینجا که مرض منتهی بشفا گردد علامات عمومی خفیف
 و غشاء کاذب قطعه قطعه جدا گردد و یا آنکه نرم شده بواسطه سرفه
 و بزور بز آب دهان مخلوط شده خارج گردد و اغلب پس از افتادن
 باره اول باره ثانی بسنه شود و باره ثانی نازک تر و سفید تر از باره
 اولی خواهد بود و بعضی از اوقات بعوض اینکه غشاء کاذب جدا شود انقضای
 لغشای غلط زیاد تر و بعد بواسطه تحلیل رفتن معدم گردد و هر چه مرض
 با بدجم غدد تحت فک هم کم شود و هر گاه طول زیاد در دوام مرض
 بهم تسیده باشد بعضی نامایل در غدد تحت فک بروز نماید بقیه